



فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء
سال بیست و سوم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲

تلاش‌هایی برای بومی‌سازی مکتب آنال مطالعه‌ی موردی: دیدگاه‌های استاد علی مظاهری در فصل‌های میانی کتاب جاده‌ی ابریشم

علی بحرانی‌پور^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۲۲

تاریخ تصویب: ۹۳/۴/۲۰

چکیده

نظر به اهمیت فعالیت‌های گسترده‌ی استاد علی مظاهری در زمینه‌ی تلفیق علوم همسایه‌ی تاریخ و تحقیق در تاریخ اقتصادی ایران به‌شيوه‌ای آنالستی، معرفی وی به‌عنوان الگوی مطالعه‌ی میان‌رشته‌ای با مرکزیت تاریخ برای رسیدن به گونه‌ای تاریخ‌نگاری آنال ایرانی - که امروزه در محافل تاریخ‌نگاری ایران از جذابیتی برخوردار است - ضروری می‌نماید. وی که در محافل تاریخ‌نگاری آنال فرانسه رشد کرده بود، انتقادهای جالبی در باب نظریه‌ی اروپامحور جاده‌ی ابریشم مطرح کرده و در برابر محققانی مانند رنه گروسه، به بازخوانی تاریخ جاده‌ی ابریشم با محوریت مشرق‌زمین پرداخته است. او در کتاب جاده‌ی ابریشم ضمن بازتولید

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، bahranipour@hotmail.com



سفرنامه‌هایی شرقی درباب جاده‌ی ابریشم، حواشی بسیار سودمند و عالمانه‌ای بر آن‌ها نوشته است که پیدایش نوعی مکتب تاریخ‌نگاری آنالیستی با رنگ و بوی شرقی-ایرانی را نوید می‌دهد. در مقاله‌ی حاضر، حواشی مظاهری بر دو سفرنامه‌ی غیاث‌الدین نقاش و سیدعلی‌اکبر خطائی بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: جاده‌ی ابریشم، علی مظاهری، سفرنامه‌های جاده‌ی ابریشم.

مقدمه

تحقیق حاضر از پیشینه‌ی چندانی برخوردار نیست؛ جز آنکه ترجمه‌هایی درباره‌ی مکتب تاریخ‌نگاری آنال اغلب توسط نسرین جهانگرد منتشر شده که از جمله‌ی آن‌ها، کتاب استویانویچ درباب پارادایم آنال است.

پرسش تحقیق این است که مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری مکتب آنال به سبک استاد مظاهری، خاصه در مطالعه‌ی تاریخ میانه‌ی جاده‌ی ابریشم چه بوده است؟ فرضیه‌ای که در معرض آزمون قرار داده شد، مؤلفه‌هایی مانند رابطه‌ی تاریخ و جغرافیا (جبر محیطی یا اختیار)، ارتباط اقتصاد و تاریخ (بررسی نقش شیوه‌ی تولید در تاریخ جوامع واقع در جاده‌ی ابریشم) و نقد دیدگاه اروپامحورانه در مطالعات جاده‌ی ابریشم است.

روش تحقیق در مقاله‌ی حاضر، ترکیبی از تحلیل محتوای حواشی نوشته‌شده‌ی استاد مظاهری بر متون تاریخ میانه‌ی جاده‌ی ابریشم و نیز مطالعه‌ی آماری بسامد واژه‌ها و عناوین حواشی اوست.

اهمیت این تحقیق در روشن کردن تجربه‌ی بیست‌ساله‌ی استاد مظاهری برای به‌کارگیری روش آنال در مطالعه‌ی جاده‌ی ابریشم برای بررسی جایگاه فرهنگ ایرانی در حوزه‌ای فراتر از مرزهای جغرافیایی ایران تاریخی است.

هدف غایی این جستار بررسی میزان توفیق تلاش‌های انجام‌شده برای بومی‌سازی مکتب آنال است.

۱. زندگی و کارنامه‌ی علمی استاد مظاهری در محافل علمی تاریخ در

فرانسه

استاد علی مظاهری (۱۲۹۳-۱۳۷۰) پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه در تهران به سبب احراز درجه‌ی ممتاز در دیپلم، با بورس دولتی به فرانسه اعزام شد. وی تحصیلات خود را در دانش‌سرای سن کلو و شارتر (۱۳۰۷-۱۳۱۱ش) و دانشگاه سوربن ادامه داد و در ۲۴ سالگی از رساله‌ی دکتری خود در رشته‌ی جامعه‌شناسی با عنوان *خانواده‌ی ایرانی در ادوار پیش از اسلام*^۱ زیر نظر استاد پل فوکونه^۲ دفاع کرد. وی همسری فرانسوی اختیار کرد و در روستایی در جنوب غربی فرانسه، طی جنگ جهانی دوم، به تحقیق و کشاورزی پرداخت. پس از پایان جنگ، با سمت کارشناس نسخ خطی فارسی وارد کتابخانه‌ی ملی پاریس شد. در آنجا مجموعه‌ای از آثار عصر آل بویه را سامان داد. آشنایی وی با آن کتب دست‌مایه‌ی تألیف کتاب *زندگی روزمره‌ی مسلمانان در سده‌های میانه از سده‌ی دهم تا سیزدهم میلادی*^۳ شد که از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی و تاریخ علم، به بررسی موضوعات مورد بحث پرداخته است.

استاد مظاهری در ۱۳۲۶ش / ۱۹۴۸م عضو «فرهنگستان بین‌المللی تاریخ علوم»^۴ شد و مقاله‌ی مهم «معنای فلک‌ریزه دهر از نظر خیام»^۵ را در نشریه‌ی *آرشیو بین‌المللی تاریخ علوم* چاپ کرد. وی در ۱۳۲۸ش / ۱۹۵۰م عضو مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه^۶ شد.

در سال ۱۳۳۵ش / ۱۹۵۷م استاد مظاهری به‌عنوان مدرس «مدرسه‌ی مطالعات عالی‌ی علوم اجتماعی»^۷ برگزیده شد و به دعوت سازمان یونسکو، بخش موسوم به «تاریخ ملل

۱. رساله‌ی دکتری وی در همان سال در پاریس به چاپ رسید. عنوان فرنگی آن عبارت است از:

La Famille Iranienne aux temps ant'e-islamiques, G. P. Maisonneuve, Paris, 1938.

2. Paul Faucannet

3. *La Vie quotidienne des musulmans au Moyen-Age, aux Xe-XIIIe Siecles*, Hachette, Paris, 1949

4. Academie international de, Histoire des Sciences

5. "La The'ori atomique d'Omar Khayyam", *Archive internationaux d'Histoire des Sciences, international de Synthese*, Paris, N. 7, 1949

6. C.N.R.S.

7. Ecole des Hautes Etudes en Sciences Sociales

مسلمان در قرن نوزدهم» را در جلد پنجم تاریخ جهانی بشریت^۱ و مجموعه‌های مشابهی مانند نقش اعراب (مسلمانان) در تاریخ جهانی علم^۲ به عهده گرفت.

وی در ۱۳۴۲ش / ۱۹۶۴م رساله‌ی دکتری دیگری، این بار در حوزه‌ی تاریخ علوم به دانشگاه پاریس ارائه داد که به مبادی ایرانی علم حساب^۳ معروف شد و در همین راه، کتاب جبر و مقابله از کوشیار جیلی (۹۷۱-۱۰۲۱ق) و محاسبات اعشاری شصت‌گانی او را از عربی به فرانسه برگرداند و آن را با تعابیر علم ریاضی امروز تفسیر کرد.

در سال ۱۳۴۸ش / ۱۹۷۰م علاوه بر کتاب گنجینه‌های ایران درباره‌ی هنر و معماری ایران، در کتاب مقدمه‌ای بر تاریخ ایران براساس سیستم‌های علم حساب و سیمولیسیم اعداد به مطالعه‌ی تطبیقی تمدن‌های گوناگون با تمدن ایران پرداخت. روش این تحقیق بر ادراک نسبت‌های متشابه (آنالوژی) مبتنی است.

در سال ۱۳۵۱ش / ۱۹۷۳م ترجمه‌ی فرانسوی کتاب عربی انباط المیاه الخفیه (استخراج آب‌های نهانی) اثر محمد کرجی (۴۱۸ق) مهندس و مساح ایرانی را در دانشگاه نیس در جنوب فرانسه به چاپ رساند.^۴ در همین زمینه، از او مقالاتی به فارسی در مجلاتی مانند یغما، ارمغان و وحید منتشر می‌شد. مقالات فرانسوی وی نیز در نشریه‌ی افکار شیعه^۵، مجله‌ی نامه‌ی ایرانی^۶ (از جمله مقاله‌ای درباره‌ی تابناخته ماندن زردشت^۷ و مقاله‌ای دیگر درباره‌ی مانی و عرفان گنوسی^۸ و دیگری درباره‌ی مزدک و کمونیسیم ایرانی او^۹)، زمان^{۱۰} و مجله‌ی آنالز^{۱۱} چاپ می‌شد که اغلب درباره‌ی دستاوردهای فرهنگی و تمدنی مشرق‌زمین

1. *Le Monde Musulman au XIXe Siècle, Histoire mondiale de l'Humanite*, Ve Volume. UNESCO, 1975

2. Aldo Mieli, *La science Arabe et son role dans l'évolution scientifique mondiale*, E.J. Brill, Leiden, 1966

3. *Les Origines Persanes de l'arithmetique*, Ideric, Universite de Nice, 1975

4. Karagi, Mohammad al, *La Civilisation des Eaux cachées: Traité de l'Exploitation des Eaux Souterraines* composé en 1017 AD. Aly Mazaheri, Published by Nice: IDERIC Etudes Preliminaires, 1973

5. *La Pensee Chi'ite*

6. *Lettre Persane*

7. "Zarathoustra cet inconnu" in *Lettres persanes*, N.° 3, 1982

8. "Mani et le gnosticisme" in *Lettres persanes*, N.° 4, 1982

9. "Le Communisme et l'Iran: Mazdak, l'histoire et le mythe" in *Lettres persanes*, N.° 3, 1983

10. *Zaman*

11. *Annales de Economie, Societe et Civilisation*

و نقش آن‌ها در توسعه‌ی تاریخی اروپا بود که از آن جمله است مقاله‌ای در باب منشأ علم حساب (یا معدل) در میان رومیان (Mazaheri, 1960: 833).

استاد مظاهری بین سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۵۲ ش / ۱۹۷۰-۱۹۷۴ م به تدریس «تاریخ ایران به لحاظ فرهنگی»^۱ در مدرسه‌ی عالی علوم اجتماعی پاریس پرداخت؛ البته عنوان کلی درس او «پامیر تا فرات» بود.

درگذشت همسر استاد مظاهری در ۱۳۵۵ ش / ۱۹۷۷ م مانع از انتشار آثار اخیر وی شد و نیز او را به عزلت و پناه بردن به جهان فلسفه واداشت؛ تدوین واژه‌نامه‌ی اصطلاحات فلسفی فارسی حاصل این دوره است که تاکنون چاپ نشده است.

سرانجام، استاد مظاهری در سال ۱۳۷۹ ش در فرانسه در عزلت درگذشت.

۲. جهان‌بینی و دیدگاه‌های تاریخ‌نگارانه‌ی استاد مظاهری

پس از آشنایی با وسعت دامنه‌ی تحقیقات استاد مظاهری، شناخت فضای فکری و دیدگاه وی در پژوهش‌های تاریخی جهت بررسی آثار او، به‌ویژه کتاب *جاده‌ی ابریشم ضروری* می‌نماید.

۲-۱. رابطه‌ی تاریخ و محیط جغرافیایی: جبر یا اختیار

مظاهری با آنکه در تاریخ‌نگاری قائل به واقعیات روشن و ملموس بود و از فرضیه‌سازی پرهیز می‌کرد و بر این باور بود: «تاریخ فکر را القا می‌کند، اما جغرافی است که تصمیم می‌گیرد»، مدتی تحت تأثیر نظریات ادواری تاریخ و جبر^۲ قرار داشت (مظاهری، ۱۳۷۲، مقدمه‌ی ملک نوبان، دوازده-چهارده).

شاید از این نظر وی تحت تأثیر ایده‌ی تأثیرات جبری محیطی فرنان برودل^۳ بود؛ یعنی عقیده‌ای که مرکزیت و محوریت جهان طبیعت در تاریخ انسانی را باور دارد؛ یعنی تاریخ بشر تاریخ پایان‌ناپذیر تلاش انسان در برابر عناصر مختلف است (بلک و مکرایلد، ۱۳۹۰:

1. L'histoire culturelle d'Iran
2. Le déterminisme
3. Fernand Braudel

۱۰۰). اما لوسین فور^۱ در کتاب *مقدمه‌ای جغرافیایی بر تاریخ* بر جبر جغرافیا تاخت و اعلام کرد:

آدمی در انطباق با محیط جغرافیایی همواره ممکن‌ها را فراروی دارد و نه ضرورت‌ها را. با تحقق بخشی از آنچه امکان تحقق دارد، در توسعه‌ی آینده جوامع انسانی میزانی از تعیین‌شدگی حکم‌فرما می‌شود؛ لیکن آدمی هرگز نه قدرت تغییر (چه کم و چه بیش را ازدست می‌دهد) و نه امکان انتخاب از همه‌ی آنچه ممکن است را، و با انتخاب بخشی از همه‌ی ممکن‌ها امکانات جدیدی زاده می‌شوند (به نقل از: برودل، ۱۳۷۲: نوزده).

۲-۲. رابطه‌ی تاریخ و تولید اقتصادی

تفکر مظاهری درباره‌ی تولید اقتصادی و نقش آن در تاریخ، برآمده از رویارویی مورخان مارکسیست و آنالیست در زمان وی بود که هر دو تأکید بیشتری بر نقش تولید داشتند؛ درحالی که مورخان مارکسیست خواستار بررسی بینش اولیه و نسبتاً سخت‌گیرانه‌ی خود درباب تاریخ زمین و تداوم بلندمدت آن شده‌اند تا در مفاهیم شیوه‌های تولید بازننگری کنند (استویانوویچ، ۱۳۸۶: ۱۳۵). درباره‌ی تاریخ ایران و سراسر آسیا، تنها وسیله‌ی تحلیل در دست مورخان مارکسیست، شیوه‌ی تولید آسیایی بود که توسط مارکس مطرح شده بود. عیب این نظریه و تعاریف وابسته به آن در عام بودن بیش از اندازه و غیرانتقادی و غیرکاربردی بودن مفاهیم آن‌ها برای تاریخ ایران پیش از عهد مشروطه بود (ولی، ۱۳۸۰: ۳۹).

اما مظاهری معتقد بود نظریه پردازانی همچون مارکس^۲، اشپنگلر^۳ و ویتفوجل^۴ از آن‌رو که معلومات کافی در تاریخ جهان نداشته‌اند، قادر به تعمیم منطقی نشده‌اند؛ در عین حال باور داشت که معلومات متراکم‌شده‌ی ناشی از تحقیقات گروهی پژوهندگان و جمع‌آوری اطلاعات توسط محققان دفترنشین، هر دو فاقد خصلت انسان‌دوستی هستند و هر دو مصالح

1. Lucian Febvre
2. Carl Marx
3. Spengler
4. Wittfogel



عالیه‌ی بشر را به دست فراموشی می‌سپارند (مظاهری، ۱۳۷۲: مقدمه‌ی ملک‌نوبان، دوازده-چهارده).

۲-۳. رابطه‌ی مظاهری با مکتب آنال و در عین حال مبارزه علیه ایده‌ی اروپا-محوری

تقریباً در همان زمان (بعد از ۱۹۲۰م) بود که مارک بلوخ^۱ و لوسین فور (بنیان‌گذاران تاریخ‌نگاری مکتب آنال) علیه تاریخ‌نگاری سنتی روایی اروپایی برخاستند و نوعی تاریخ‌نگاری مسئله‌محور را مطرح کردند که با بررسی منظم تحولات ساختاری، به سؤال‌های بزرگ پاسخ دهند (بلک و مکرایلد، ۱۳۹۰: ۸۸).

از سال ۱۹۲۰م به بعد، مورخان نسل اول مکتب آنال (لوسین فور، مارک بلوخ و فرنان برودل) طی تکامل مکتب خود، چند ویژگی را به عنوان صفات اصلی مکتب آنال مطرح کردند:

- روی گردانی از تمرکز صرف بر تاریخ‌نگاری روایت‌گراانه و پوزیتیویستی منحصراً به موضوعات سیاسی و درباری (مکتب رانکه^۲ مورخ آلمانی) (اسمیت، ۱۳۸۶: ۷۴) و تأکید بر تاریخ اقتصادی و اجتماعی یا «تاریخ وسیع‌تر و انسانی‌تر» که تمام فعالیت‌های انسان را شامل شود و با نقل وقایع کمتر مرتبط باشد تا تحلیل «ساخت» (برک، ۱۳۸۱: ۲۳).
- بهره‌گیری از پیشرفت‌های رشته‌های همسایه و همپونند (جغرافیا، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، انسان‌شناسی، قوم‌شناسی و متخصصان مطالعه‌ی مذاهب) و ادبیات با تاریخ (بلوخ، ۱۳۶۳: ۱/ یازده).
- بررسی تفصیلی و همه‌جانبه‌ی موضوع، پرهیز از تخصص‌گرایی افراطی و تکه‌تکه کردن تاریخ، و حذف مرزهای اعتباری و مجازی میان آن‌ها.

1. Marc Bloch
2. Leopold von Ranke



- ضرورت استفاده‌ی نقادانه از منابع و گسترش مفهوم متداول منابع تاریخی، به گونه‌ای که تمام آثار به‌جامانده از گذشته در هر شکل و با هر نوع و کیفیتی، منبع تاریخ‌نگاری به‌شمار آید.
- ضرورت توجه به تقدم تفکر خلاق در جریان کار علمی و اهمیت تدوین چارچوب نظری انعطاف‌پذیر به‌عنوان نقطه‌ی شروع «تولد شناخت تاریخی» و راهنمای جمع‌آوری اطلاعات لازم و مناسب. این امر سبب می‌شود رازهای سر به مهر منابع تاریخی که از فرایندهای مهم‌تری حکایت می‌کنند، برملا شوند و مسائلی مطرح شوند که به‌هیچ‌وجه از ظاهر وقایع و معنای ظاهری آن‌ها قابل استنباط نیستند.
- ضرورت حفظ رابطه‌ی متقابل بین نظریه و روش و تصحیح دائمی این دو با شروع و ادامه‌ی فرایند پژوهش.
- ضرورت حفظ عینیت در پژوهش‌های تاریخی و استفاده‌ی بجا از اسناد و مدارک تاریخی، آن‌هم در حجمی خیره‌کننده و به این ترتیب، مقابله با دگماتیسم در هر شکلی و پرهیز از تعمیم‌های ناروا و بدون تجزیه و تحلیل دقیق شرایط جامعه‌های حاکم بر رخدادها. در عین حال، آنالیست‌هایی مانند بلوخ اهل تعمیم و استفاده‌ی محتاطانه از واژه‌های کلی مثل فتودالیسم بودند (بلوخ، ۱۳۶۳: ۱/پانزده).
- پرداختن به انبوه بی‌پایانی از جزئیات و ریختن آن‌ها در چارچوبی علمی با استفاده از نظریه‌های علوم و رشته‌های همپونند با تاریخ (برودل، ۱۳۷۲: بیست‌وشش - بیست‌وهفت).
- در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م، آثار مورخان نسل دوم مکتب آنال (ایمانوئل له‌روا،^۱ لوگوف،^۲ مارک فرُو^۳ و بوگوریه^۴) که معاصر با استاد مظاهری بودند، پنج گرایش مهم به‌چشم می‌خورد:

1. Emmanuel Le Roy Ladurie (born 19 July 1929)
 2. Jacques Le Goff (1 January 1924- 1 April 2014)
 3. Marc Ferro (born 1924 in Paris)
 4. André Burguière

- مطالعاتی مربوط به تاریخ روستایی و تاریخ محلی برپایه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی و منطقه‌ای؛
- بررسی‌هایی در تاریخ اقتصادی، جمعیت‌شناسی و جغرافیایی از طریق تجزیه و تحلیل‌های کمی (مبتنی بر آمار و علم حساب و احتمالات) (Guitel, 1962: 941-942) هدایت‌شده توسط نظریه و در جهت اثبات آن نظریه‌ها؛
- مطالعات انسان‌شناختی فرهنگ‌های غیراروپایی در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین؛
- پژوهش‌های مربوط به زندگی روزمره در گستره‌ی تاریخ و توجه به عادات و الگوهای زندگی به‌ویژه آداب غذا خوردن چه از نظر زیست‌شناسی چه از نظر رفتار اجتماعی؛
- تحقیقاتی در زمینه‌ی دیدگاه‌ها و جهان‌بینی‌ها با تأکید بر افکار عمومی، خرد جمعی فولکلور و تجزیه و تحلیل ساختاری اسطوره‌ها و افسانه‌ها (برودل، ۱۳۷۲: چهل).

گرایش‌های نام‌برده را در تحقیقات بسیاری دیگر از مورخان اروپایی در همان زمان، مانند برتولد اسپولر^۱ مغول‌شناس نامدار آلمانی، می‌توان یافت که مثلاً در بررسی تاریخ اردوی زرین، برخلاف دیگر مورخان که بر فتوحات و تاریخ سیاسی مغولان تأکید داشتند، بر وجود متنوع حیات اجتماعی و اقتصادی، و فرهنگ مغولان متمرکز بود (Spuler, 1965: XV-XVI). استاد مظاهری (۱۳۷۸: ۴-۶) شبیه به چنین فضایی را در کتاب جامع زندگی مسلمانان در قرون وسطا ترسیم کرده است.

در این میان، استاد مظاهری از نظر روش تحقیق، ابزار تحقیقات تاریخی را در خدمت روش جامعه‌شناسی قرار داده بود؛ اما باور داشت که نتایج برآمده از تمام علوم انسانی و معلومات اقتصادی، فنی، استراتژیکی و... را باید یکپارچه کرد. همین دیدگاه و اشتغال به پژوهش‌گری در C.N.R.S وی را بیش از هر چیز با تاریخ‌نگاران مکتب آنال^۲ در فرانسه

1. Berthold Spuler
2. Ecole des Annales

پیوند می‌داد. اتفاقاً، علاوه بر وطن‌دوستی زیادی که در نوشته‌های وی هویداست، مبارزه‌ی استاد با نظریه‌ی تفوق حوزه‌ی فرهنگی مدیترانه بر سایر نقاط جهان که موریس لمبار^۱ و فرنان برودل^۲ مطرح کرده بودند، وی را به نگارش کتاب *جاده‌ی ابریشم* واداشت (مظاهری، ۱۳۷۲: مقدمه‌ی ملک‌نوبان، دوازده-چهارده).

جالب است که اروپامحوری در آن زمان هم در آثار آنالیست‌ها دیده می‌شد و هم در آثار مارکسیست‌ها که دعوی جهان‌وطنی داشتند. هر دو گروه اعتقاد داشتند که مراحل توسعه باید با تقلید از مراحل طی‌شده در اروپا در تاریخ خود گذرانده است. درحالی‌که از نظر منتقدانشان، جوامع مختلف از طریق جوامع مختلف «گزینش‌های مشخص تمدن‌گرایانه که کاملاً مجزا و متفاوت هستند و حتی اگر همزیستی مسالمت‌آمیز و پیوسته‌ای داشته باشند، شیوه‌های سازمان‌یافتگی و فرهنگی متفاوت دارند» (استویانوویچ، ۱۳۸۶: ۱۳۵-۱۳۶).

مدتی پیش از آن استاد مظاهری پس از نگاشتن کتاب *آل بویه و بررسی جنگ‌های صلیبی در روابط میان شرق و غرب*، روند تجارت میان چین و اروپا و نقش واسطه‌ای مهم ایران را کاوید و فضای تجارت اقیانوس هند در حدود عصر مغول را «جاده‌ی مروارید»^۳ نامید. این اصطلاح را استاد ابداع کرد. وی به انتشار علوم، هنرها و فرهنگ ایران از طریق این مسیر و نیز جاده‌ی ابریشم سخت علاقه‌مند بود. این علاقه موجب تألیف کتاب *جاده‌ی ابریشم* شد (مظاهری، ۱۳۷۲: مقدمه‌ی ملک‌نوبان، دوازده-چهارده).

بسیاری از مورخان غربی تاریخ اروپا را معیاری برای درک و مقایسه‌ی تاریخ ملل دیگر می‌دانستند. برای مثال مورخ فرانسوی، رنه گروسه، در کتاب *امپراتوری صحرائنوردان* در توصیف مقدماتی و معرفی عشایر مهاجم در طول تاریخ اوراسیا و تعیین خاستگاه ایشان در آسیای علیا می‌نویسد: «آسیای علیا را بیشتر از اسکاندیناوی مشیمه‌ی (مهد و خاستگاه) ملل باید دانست. چنان است که گویی بسیاری از قبایل از این رحم ملل بیرون آمده‌اند و آسیای علیا، ژرمانی آسیا می‌باشد» (۱۳۷۹: ۲۳).

1. Maurice Lambard
2. Fernand Braudel
3. La Route des Perles

بنابراین، از سوی دیگر هدف استاد مظاهری، تشریح چگونگی نفوذ تمدن چین در اروپا از طریق عناصر ایرانی بود و می‌خواست برخلاف نظر گروسه، این مطلب را اثبات کند که مسیر حرکت تمدن تنها از یونان به چین نبوده؛ بلکه گرایش معکوس آن هم وجود داشته است که موجب تکوین نهضت انسانی در غرب شده بود. بنابراین، در دادوستد فرهنگی میان اروپا و شرق تعادل وجود داشته است.

۳. کتاب جاده‌ی ابریشم: به‌کارگیری عملی مکتب آنال در مطالعه‌ی تاریخ مشرق‌زمین

با توجه به گرایش‌های فکری یادشده، پژوهش‌های بیست‌ساله‌ی استاد مظاهری (۱۳۲۸-۱۳۴۸ ش / ۱۹۵۰-۱۹۷۰م) در قالب کتاب جاده‌ی ابریشم که از مهم‌ترین آثار اوست، به‌بار نشست. متن اصلی فرانسوی کتاب^۱ توسط فرهنگستان علوم تاریخی چین به چینی ترجمه شد.^۲

استاد مظاهری در تألیف کتاب خود به بررسی دقیق متون بسیار مهجور و دور از انتظار در کتابخانه‌هایی مانند سلیمانیه‌ی استانبول، کتابخانه‌ی ملی پاریس، کتابخانه‌ی آکسفورد و نیز در لندن و مسکو پرداخت و در تعلیقات خود هیچ نکته‌ای که باری از فرهنگ داشته باشد، از دیده‌ی تیزبین او پنهان نماند. کتاب جاده‌ی ابریشم در واقع معرفی، تصحیح و شرح و تعلیقات مربوط به سه رساله‌ی خطی است که شامل دو سفرنامه و یک جنگ‌نامه (فتح‌نامه) است. شرح تفصیلی مطالب کتاب چنین است:

دیباچه (مظاهری، ۱۳۷۲: ۱۳-۵۲) و بخش نخست کتاب که به منابع فارسی اختصاص یافته است و تمام جلد اول را دربرمی‌گیرد. در این بخش، ابتدا سفرنامه‌ی غیاث‌الدین (همان: ۵۴-۵۹) همراه مقدماتی از حافظ ابرو و عبدالرازق سمرقندی (همان: ۵۹-۶۰)،

1. La Route de la Soie, Paris: SPAG, 1983

۲. ترجمه‌ی فارسی نیز نخستین بار توسط دکتر ملک ناصر نویان در سال ۱۳۷۲ در مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) چاپ شد. دکتر وهاب ولی نیز تنظیم، تنقیح و ویراستاری کتاب را برعهده داشت. کتاب مذکور به سفارش دکتر ناصر تکمیل همایون- دانش‌آموخته‌ی دکتری تاریخ از دانشگاه سوربن، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و عضو طرح تحقیقاتی جاده‌ی ابریشم در سازمان یونسکو- ترجمه شد و در زمان ریاست مرحوم دکتر محمود بروجردی و با عنایت و محبت ایشان به‌چاپ رسید.

تلخیص سفرنامه (همان: ۶۱-۹۹) و یادداشت‌های انتقادی (همان: ۹۹-۱۵۰) آمده است. سپس *خطای‌نامه‌ی سیدعلی‌اکبر خطائی* (همان: ۱۵۰-۱۵۴)، شخصیت او (همان: ۱۵۴-۱۵۹)، سفرنامه و مدت اقامت او در چین (همان: ۱۵۹-۱۷۷) و عین متن *خطای‌نامه* که مؤلف به فرانسوی و مترجم دوباره فارسی آن را ترجمه کرده و دربردارنده‌ی بیشترین صفحات کتاب است (همان: ۱۷۸-۲۸۴) و دکتر مظاهری نیز برای هر یک از باب‌های بیست‌گانه‌ی آن یادداشت‌های جداگانه‌ای آورده است (همان: ۲۸۵-۵۰۳). سومین رساله‌ی مورد بررسی در کتاب، توضیحاتی درباره‌ی روابط نادرشاه افشار و لی یین لونگ (چان لوخان، امپراتور چین) است (همان: ۵۳۹-۵۴۲) که شامل متن سفرنامه‌ی سرهنگ مظفرعلی از روی تلخیص محمد کاظم وزیر مروی (همان: ۵۴۲-۵۴۷)، پیروزی ایرانیان بر اویرات‌های غربی (قلماق‌ها) (همان: ۵۴۷-۵۶۷) و یادداشت‌های مربوطه (همان: ۵۶۸-۵۷۹) است.

اینک برای شناخت روش کار و وسعت دانش استاد و تأکید او بر جزئیات خیره‌کننده‌ای از تاریخ و علوم همسایه به سبک آنالیستی، به شرح فصل‌های کتاب *جاده‌ی ابریشم* پرداخته می‌شود.

۳-۱. سفرنامه‌ی غیاث‌الدین نقاش

نخستین تصحیح انتقادی مندرج در کتاب *جاده‌ی ابریشم*، سفرنامه‌ی غیاث‌الدین نقاش است. مؤلف در دیباچه به شرایط راه‌یابی اروپاییان به راه‌های دریایی آسیا و مقایسه‌ی راه دریایی ادویه و جاده‌ی ابریشم پرداخته و نقش اختراعات اروپاییان را در ظهور راه دریایی ادویه و رقابتش با جاده‌ی ابریشم برشمرده است؛ البته با ذکر دلایلی، بر تداوم رونق جاده‌ی ابریشم پای فشرده است. وی کالاهای تجاری مانند مُشک، آینه‌های فولادی ختایی، ابزارآلات چلنگری و آتش‌زنه‌های چینی را به‌عنوان شاهد مثال آورده و تجارت زمینی اسب (همان: ۳۶-۴۶) را بیش از هر چیز و از دیدگاه‌های گوناگون بررسی کرده است. فرنان برودل، از بنیان‌گزاران مکتب آنال، از این قبیل نظریات ساختارشنکانه‌ی استاد مظاهری استفاده کرده و حتی درباب شمشیرهای دوراندل فولادی بر این باور است که

بدلی از شمشیرهای چینی بود و از طریق جهان اسلام به اروپا راه یافته بود (برودل، ۱۳۷۲: ۳۷۴).

استاد مظاهری با استناد به منابع چینی، از جمله مینگ شه^۱ (تاریخ سلسله‌ی مینگ) زمینه‌های تاریخی سفر غیاث‌الدین نقاش از سوی سلطان شاهرخ تیموری به چین را روشن کرده است (همان: ۴۶-۵۲). به گفته‌ی استاد مظاهری، متن سفرنامه‌ی غیاث‌الدین نقاش به کلی مفقود شده و چنان که اظهار می‌کند، در مطلع سعدین عبدالرزاق قطعاتی از آن را می‌بینیم که زبده‌التواریخ حافظ ابرو فاقد آن است و نیز در حبیب‌السیر قطعاتی وجود دارد که در نسخه‌های چاپی دو دست‌نوشته‌ی قدیمی‌تر وجود ندارد. چنان که مؤلف اشاره کرده است، این امر نشان می‌دهد نسخه‌ای از این سفرنامه در کتابخانه‌ی سلطنتی هرات وجود داشته است. مؤلف پس از آوردن مقدمه‌ی سفرنامه از زبان اشخاصی مانند حافظ ابرو (همان: ۵۹) و عبدالرزاق سمرقندی (همان: ۶۰)، خلاصه‌ای از آن را با توجه به همه‌ی منابع مذکور آورده است (همان: ۶۱-۹۸).^۲

خلاصه‌ی سفرنامه چین است که در سال ۸۲۲ق سفيرانی به نام‌های تی ما جین و جان ماجین همراه سفير شاهرخ- اردشير تواجی که از چین بازمی‌گشت- به هرات آمدند و از شیراز و خوارزم دیدن کردند. هنگام بازگشت آنان از ایران به چین، سفيرانی ایرانی از سوی ابراهیم سلطان تیموری (از شیراز)، رستم میرزا (از اصفهان)، میرزا سیور غتمش و امیرشاه ملک (از خوارزم)، شاه بدخشان، بایسنقر میرزا و سلطان شاهرخ تیموری همراه آنان به چین رفتند. ریاست این سفيران را امیرشادی خواجه و کوچچه (از هرات به عنوان سفيران شاهرخ) برعهده داشتند. آنان در ۸۲۳ق از طریق جاده‌ی ابریشم از راه ماوراءالنهر و

1. Ming Shih

۲. علاقه‌مندان به آشنایی بیشتر با این موضوع را به پیوست‌های پنج‌گانه‌ی کتاب خطای‌نامه که توسط ایرج افشار (مصحح) افزوده شده است، ارجاع می‌دهیم که عبارت‌انداز: روزنامه‌ی خواجه‌غیاث‌الدین نقاش ایلچی بایسنقر میرزا به نقل از زبده‌التواریخ حافظ ابرو (تصحیح محمد شفیع لاهوری)، غرائب و عجایب خطای نوشته‌ی عبدالرزاق سمرقندی در مطلع سعدین و مجمع بحرین ذیل سال ۸۲۵ق، عجائب اللطائف ترجمه‌ی ترکی سفرنامه‌ی غیاث‌الدین نقاش (افست از روی چاپ استانبول)، و سفرهای ایلچیان خطای از روی مطلع سعدین و مجمع بحرین چاپ و تصحیح محمد شفیع لاهوری (ر.ک: خطائی، ۱۳۷۲: ۱۹۶-۲۶۹، ۳۱۷، ۳۱۹-۳۷۰، ۳۷۱، ۴۲۰، ۴۲۱-۴۳۲، ۴۳۳-۵۲۰، ۵۲۱-۵۳۰، ۵۳۱-۵۴۶ و ۵۴۷-۵۶۴).

ترکستان به چین رفتند. غیاث‌الدین نقاش - سفیر بایسنقر میرزا که همراه این هیئت بود - برحسب مأموریت برای آموختن نقاشی و باغچه‌سازی به سبک چینی عزیمت کرده بود و در سفرنامه‌ی خود به تشریفات پذیرش سفیران، جشن‌های چینیان، بتکده‌ها و اوصاف هنری و تزئینات آن، شبکه‌ی ارتباطی و پستی قوی چین (یام)، منازل راه ابریشم، ایلات ساکن و مناطق مسلمان‌نشین از جمله ترمذ و کاشغر، و خاندان‌های مسلمان مانند آخونگ (آخوند) پرداخته است. علاوه بر این، به ملاقات سفیران با یونگ لو امپراتور چین، تشریفات و خدم و حشم دربار وی، سؤالات او از سفیران درباره‌ی موضوع قراوقیونلو در برابر سلطان شاهرخ، احوال اقتصادی، محصولات کشاورزی، ایمنی راه‌ها و تصمیم امپراتور به برقراری روابط با قراوقیونلوها در این سفرنامه اشاره شده است. چنان‌که از این سفرنامه برمی‌آید، هنگام حضور سفیران تیموریان در چین، اتفاقاتی رخ داد که موجب بسته شدن دروازه‌های ارتباط با خارج، مخالفت درباریان ملی‌گرا با نفوذ مسلمانان و سایر خارجیان در جامعه و دربار چین و درگیری‌های داخلی در دربار شد و سرانجام، به سردی روابط ایران و چین انجامید. علاوه بر آن، شرایطی بر این سردی روابط افزود: یکی آنکه، اسب پیشکشی سلطان شاهرخ به یونگلو، وی را در شکارگاه به زمین زد و زخمی کرد؛ دیگر اینکه، یکی از کاخ‌های امپراتور در آتش سوخت و مدتی بعد همسر محبوبش در گذشت. این وقایع شوم در کنار بیماری شخصی امپراتور و به‌دست گرفتن امور توسط پسر جوان وی، چنان اوضاع را برآشفته که سفیران تیموریان بدون دریافت پاسخی روشن به هرات بازگشتند.^۱

یادداشت‌های انتقادی دکتر مظاهری اغلب درباره‌ی موقعیت جغرافیایی و توپونومی (جای-نام‌شناسی مناطق جغرافیایی) در زبان‌های گوناگونی است که در سفرنامه به آن‌ها اشاره شده است (همان: ۹۹-۱۰۴). این یادداشت تأثیر روش برودل را در اعتقاد مظاهری به جبر

۱. شرح مفصل روابط ایران و چین در عصر شاهرخ تیموری در پایان‌نامه‌ی نگارنده آمده است: علی بحرانی‌پور، بررسی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و چین در زمان شاهرخ تیموری (۸۰۸-۸۱۵ق)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی تاریخ، استاد راهنما دکتر سید ابوالقاسم فروزانی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۱.

جغرافیایی یا دست کم محوریت جغرافیا در شکل‌دهی به تاریخ نواحی مختلف نشان می‌دهد.

از این گذشته، از حیواناتی مثل شتر بلخی (همان: ۱۰۴)، سُنُقُر (همان: ۱۳۵-۱۳۶) و بز کوهی (همان: ۱۲۰) و محصولات مانند سورمه، شراب‌های گوناگون با بحث‌های زبان‌شناختی و شیمیایی مربوط (همان: ۱۰۵-۱۰۸)، شنگرف (همان: ۱۲۵-۱۲۶)، انواع گل لاله (همان: ۱۲۷-۱۲۸) و مهرگیاه (همان: ۱۴۶-۱۴۸) نام برده است که هم از دیدگاه تاریخ طبیعی و هم از نظر تاریخ اقتصادی چشمگیرند و هریک موضوع تحقیقی تواند بود. وی درباره‌ی نمایش‌های چینی، ابزارآلات موسیقی چینی و تطبیق آن‌ها با همتایان ایرانی‌شان (همان: ۱۰۹-۱۱۲)، تأثیر موسیقی اسلامی و ایرانی بر موسیقی چینی و تلاش‌های صفی‌الدین ارموی و صفی‌الدین عبدالمؤمن اربیلی در این زمینه توضیحاتی داده است (همان: ۱۲۸-۱۲۹) که پژوهشگران تاریخ موسیقی و روابط فرهنگی را به کار می‌آید. پیگیری رشته‌ی ارتباط این هنرها با هنرهای ساسانی و یونانی نیز امری جالب است.

توجه استاد مظاهری به نظریه‌ی تجسد الوهیت در وجود امیر تیمور گورکانی از دیدگاه درویش نقشبندی، با استناد به اعطای القاب «حضرت اقدس» و «صاحب‌قران» (همان: ۱۴۱)، به‌درستی به رواج اندیشه‌های هزاره‌گرایی و مهدویت در آن روزگار اشاره دارد.

۳-۲. خطای‌نامه^۱ سیدعلی‌اکبر خطائی

قسمت دوم کتاب جاده‌ی ابریشم که به خطای‌نامه‌ی سیدعلی‌اکبر خطائی اختصاص دارد، با مقدماتی در معرفی خطائی آغاز شده است. از آنجا که در منابع دیگر نامی از او نیامده است، مظاهری با توجه به قرائنی، وی را بازرگانی بخارانی‌الاصل دانسته که در تبریز خطای‌نامه را برای شاه‌اسماعیل اول صفوی نوشته بود. اما طی جنگ‌های ایران و عثمانی که به شکست چالدران و اسارت خطایی در دربار سلطان سلیم یاوز منجر شد، سیدعلی‌اکبر با

۱. هرچند برخی محققان به کار بردن لفظ «ختای» را برای چین شمالی مناسب‌تر و معمول‌تر می‌دانند، منبع یادشده به‌نام خطای‌نامه و نیز نام مؤلفش به‌صورت «خطائی» توسط مرحوم استاد ایرج افشار مصحح کتاب به چاپ رسیده است که دلیل آن، پابندی به متن نسخه‌ی خطی آن بوده و برای رعایت امانت در ارجاع کتاب‌شناختی، به همین شکل خطای و خطائی نگاشته شد.

زدودن مطالب مربوط به ایران و صفویان شیعی مذهب که چندان مورد علاقه‌ی عثمانیان نبود و حتی به‌عنوان تهمتی سیاسی علیه او به‌کار می‌رفت، کتاب خود را به سلطان سلیمان قانونی، جانشین سلیم، تقدیم کرد (همان: ۱۵۵-۱۵۹ و ۱۷۱-۱۷۵). چنین اظهارنظر موشکافانه و جدیدی تقریباً در بررسی‌های مربوط به خطای‌نامه بی‌همتاست. وی در تبیین وجه تسمیه‌ی «قانون‌نامه‌ی چین و خطای» برای خطای‌نامه در زبان ترکی می‌نویسد که به‌سبب ستایش فراوان مؤلف خطای‌نامه از قوانین و قواعد عرفی چینیان و همچنین با توجه به علاقه‌ی سلطان سلیمان به گردآوری مجموعه‌های قوانین ملل گوناگون که وی را شایسته‌ی لقب «سلیمان قانونی» کرد، نسخه‌نویسان ترک، نام مذکور را برای خطای‌نامه برگزیده بودند (همان: ۱۷۵). خطایی در لابه‌لای نوشته‌های خود به‌طور غیرمستقیم، توانایی خود در تکلم به زبان‌های چینی، قلماق مغولی، تبتی و احتمالاً عربی به‌همراه فارسی و ترکی را ابراز کرده است (همان: ۱۶۱). از جنس اطلاعاتی که خطایی به‌دست می‌دهد نیز می‌توان دریافت که وی بازرگانی ساده بوده که اطلاعاتی نسبتاً خوب و دقیق درباره‌ی تجارت بدل چینی، پول و اسکناس، مشک، ریوند، شوره، خولنجان، هلیله و... دارد و همچنین به وقایع روزانه، تسلیحات و سازمان نظامی، طرز پوشش مردم، قانون‌گذاری، کیش، دستگاه پولی و بانکی، چگونگی اندازه‌گیری زمان و اعلام پاس‌های شبانه، علل گدایشگی و فحشا، و حقوق کیفری توجه خاصی دارد؛ اما اطلاعات وی در امور اخیر از دیده‌های یک شاهد عینی فراتر نمی‌رود و به تحلیل‌های علمی و تطبیقی یک دانشمند در آن روزگار شبیه نیست؛ چنان که در بیان تواریخ دقیق وقایع و اعداد مربوط به فواصل جغرافیایی و اکیال چندان دقتی نداشته است (همان: ۱۶۳). در ادامه‌ی این مطالب، بحث‌های حقوق ایرانی و چینی استاد مظاهری جالب به‌نظر می‌رسد (همان: ۱۶۸-۱۷۰).

بنابه شواهدی مانند گزارش قحطی سال ۱۴۹۶م/ ۹۰۲ق در ایالت شانسی چین، می‌توان دریافت که سیدعلی‌اکبر در روزگار حکومت امپراتور شی ننگ هوانگ تی (۱۴۸۸-۱۵۰۵م/ ۸۹۴-۹۱۱ق) و سلف او شنگ هوا (۱۴۶۵-۱۴۸۷م/ ۸۷۰-۸۹۳ق) در چین بوده یا دست کم بیش از یک بار به چین رفته و از این رو به «خطائی» مشهور شده است (همان: ۱۵۹-۱۶۱).

چنان‌که استاد مظاهری یادآوری کرده است، منابع علی‌اکبر خطائی در نگارش *خطای‌نامه*، جز دیده‌ها و شنیده‌های او، احتمالاً سفرنامه‌ی مولانا علی قوشچی، سفیر دانشمند و منجم الخیگک تیموری، نیز بوده است. با توجه به اینکه تاکنون در منابع، اثری از سفرنامه‌ی علی قوشچی به چین نیست (همان: ۱۷۶)، اهمیت *خطای‌نامه* در اشارت پراکنده به آن آشکار می‌شود.

باری، *خطای‌نامه* در بیست باب تنظیم شده است که خواندن عناوین هریک برای شناخت ما از آن ضروری می‌نماید: ۱. در بیان جاده‌هایی که به چین می‌روند؛ ۲. در بیان ادیان مختلف ایشان؛ ۳. در بیان شهرها و دژها؛ ۴. در بیان قشون و نظامیان در سوم نظامی ایشان؛ ۵. در باب خزاین دولتی؛ ۶. در بیان جباریت شدادی امپراتور چین و کاخ خاقان؛ ۷. در بیان زندان‌های چین؛ ۸. در بیان سال نو چینیان؛ ۹. در بیان دوازده ناحیه‌ی مملکت چین؛ ۱۰. در بیان ضیافت‌های ایشان، مجالست هایشان و ادبشان؛ ۱۱. در بیان خرابات و خراباتیان؛ ۱۲. در بیان فنون شگفت‌آور ایشان؛ ۱۳. قانون‌گذار خطائی، دلایل خط‌مشی اداری وی، شاهزاده‌خانمی که چندین بار ازدواج کرد؛ ۱۴. در بیان مدارس ابتدایی ایشان و چیزهای دیگر؛ ۱۵. در بیان مردمی که به چین می‌روند؛ ۱۶. در باب قلماق‌ها (مغولان) بی‌که با چینیان دادوستد می‌کنند؛ ۱۷. در بیان زراعت در چین؛ ۱۸. در بیان پول نقره، پول خرد و بیجک‌هایی که به‌جای آن‌هاست؛ ۱۹. در بیان رعایت ایشان از مقررات؛ ۲۰. در بیان نگارخانه‌های چین.

مظاهری در یادداشت‌های مقدمه‌ی *خطای‌نامه* (همان: ۲۸۵-۳۰۶) با استناد به کیهان‌شناسی و جغرافیای اساطیری ایران و نیز اصول زبان‌شناختی به بررسی واژه‌های خراسان و عراق پرداخته و آن‌ها را با بحث‌های جغرافیایی تاریخی پی گرفته است (همان: ۲۸۵-۲۹۰). او در جایی تحلیلی بکر از نقشه‌های جهانی امروزی دارد که در آن جهان را شبیه به ماهی (نهنگ) تصویر کرده که از شمال به جنوب شنا می‌کند. اما ایرانیان در قرون میانه، نقشه‌ی جهان‌نما را شبیه به اژدهایی می‌دانستند که از شرق به غرب می‌خزد. مظاهری نتیجه می‌گیرد که این تصورات به این دلیل است که بیشتر سفرهای اروپاییان (سازندگان نقشه‌های امروزی) از راه دریا و در مسیر شمال به جنوب بوده است؛ اما سفرهای شرقیان

اغلب از راه زمینی (جاده‌ی ابریشم) و در مسیر شرق به غرب بوده است (همان: ۲۸۵). در ادامه‌ی این بحث، جهان تورانی را با استناد به *شاهنامه* و تحقیقات جدید تاریخی درباره‌ی ایران باستان تحلیل کرده (همان: ۲۸۹-۲۹۱) و نیز موقعیت کوه قاف (قفقاز) و البرز را در مقایسه با دیوار چین در زمینه‌ی جداسازی «ملل کشاورز» از قبایل دامدار بررسی کرده است (همان: ۲۹۱-۲۹۲). این‌گونه مطالعه‌ی مسائل، یک دیدگاه وسیع آنالستی-تطبیقی را در تحقیقات استاد مظاهری نشان می‌دهد.

در همین زمینه، وی به تطبیق اساطیر و تاریخ علاقه‌مند بوده است؛ چنان‌که مناطقی مانند «مرغساران، زاغساران، شترساران، سگ‌ساران، بلادالنسناس و غیره» را براساس دلایل زبان‌شناختی، تاریخی و جغرافیایی تاریخی، بر قلمرو و قبایل گوناگون استپ‌های شمال آسیا منطبق دانسته است (همان: ۲۹۳-۲۹۸)؛ نیز بر مبنای لغت اوستایی «آیری یانم وی ژائو» (ایران‌ویج)^۱ مسکن باستانی آریاهای ایرانی را در استان فصلی سین کیانگ (غربی‌ترین استان چین) دانسته است (همان: ۳۰۰-۳۰۳). گویی، وی در کلیت کتاب خود می‌کوشد ایران تاریخی را به جهان چینی نزدیک‌تر کند یا دست‌کم بر اهمیت ایرانیان ایالات غربی چین (میراث‌خواران مانویان تورفان) به‌عنوان حلقه‌ای اساسی در پیوند ایران و چین تأکید کند.

تجربیات و مطالعات استاد مظاهری در تاریخ علم به او این امکان را داده است که در کنار شرح‌های مربوط به موقعیت و پیشینه‌ی جغرافیایی مناطقی که در *خطای‌نامه* آمده‌اند، از اختراعات و تاریخ آن‌ها سخن بگوید؛ چنان‌که اختراع فشفسه‌ی باروتی را از قرن هفتم میلادی به چینیان نسبت داده و از رواج آن در عهد تیمور در ایران در میان رده‌ای از سپاه باعنوان «تخش‌افکنان» فیل‌سوار یاد کرده است که موجب وحشت سپاهیان و اسبان دشمن می‌شده‌اند (همان: ۳۰۸-۳۰۹). باروت علاوه‌بر استفاده در سلاح آتشین، یادآور آتش‌بازی‌های جشن‌های پرشکوه چینیان نیز بوده که در دربار تیموریان هم رواج یافته بود (همان: ۳۱۰-۳۱۲). جالب است که فرنان برودل (۱۳۷۲: ۲۴۳) برخی اطلاعات خویش درباب انتشار اختراعات ایران عهد تیموریان همچون صابون، و نیز اختراعات چینیان چون

1. Airiyanam Vaejao

کاغذ و باروت را از استاد مظاهری گرفته که به قول همو، از راه کشمیر به دیگر جاها منتقل شده است.

مظاهری (۱۳۷۲: ۳۱۷-۳۱۸) در یادداشت‌های باب دوم کتاب، به اختلاف‌ها و شباهت‌ها و تطابق اسلام، بودائیسیم و کنفوسیوسیم برپایه‌ی منابع تاریخی قرن پانزدهم و منابع مذهبی این ادیان پرداخته (همان: ۳۱۳-۳۱۵) و در همین راه به تلاش‌های نقطویه در ایجاد کیشی تلفیقی از اسلام، حکمت کنفوسیوسی و آرای نوافلاطونیان، و روابط آنان با بکتاشیان آسیای صغیر و صوفیان صفوی اشاره کرده است.

او درباره‌ی راه‌یابی اسلام به چین، مهاجرت بازرگانان ماوراءالنهری در ۴۶۲ق به ریاست سیدزیر نملی (جد شمس‌الدین عمر بخاری مشهور به شیخ اجل ۶۰۷-۶۹۶ق) را جرقه‌ی حرکت اسلام به آسیای شرقی دانسته و در ادامه، به تاریخ گسترش اسلام در چین در دوره‌های مغولان چین (سلسله‌ی یوان) و سلسله‌ی مینگ و چینگ پرداخته است. همچنین، در سراسر کتاب بر نقش راه‌گشایی مسلمانان مانوی‌الاصل استان سین کیانگ در چین تکیه کرده (همان: ۳۲۰-۳۲۳) و اظهارات سیدعلی‌اکبر خطائی مبنی بر مسلمان شدن امپراتور دایمینگ ژین دی (۹۱۱-۹۲۹ق / ۱۵۰۵-۱۵۲۳م) را تأیید کرده و این امر را موجب تقویت پایگاه درویش نقشبندی در دربار چین پنداشته است (همان: ۳۲۲). برای مقایسه، به ورود یهودیان به چین از سال ۳۴ میلادی اشاره کرده و از زبان منابع قرن‌ها بعد، مانند محمد آملی (مؤلف *نفایس‌الفتون*) از تفاوت‌های فقهی میان یهودیان ایران در قرن هشتم هجری به رهبری یهودا بودغان همدانی موسوم به بودغانیان با دیگر یهودیان یاد کرده است (همان: ۳۲۴) که برای مورخان تاریخ اجتماعی درباب دیاسپورای یهود در آسیا سودمند خواهد بود. همچنین است سرگذشت «مسیحیان ایرانی» (نسطوریان) که به‌دنبال خاندان سلطنتی ساسانی به چین کوچیدند و پس از سلسله‌ی یوان، مانند مانویان خبری از آنان در منابع نیامده است (همان: ۳۲۵).

رونق کار اقلیت‌ها در عهد مینگ چنان بود که حکیم چوهی - که مردی مانوی‌الاصل بود - تاحدی در سلسله‌مراتب روحانیت آیین کانک فودتسه (کنفوسیوس) ترقی کرد که به‌عنوان «مجدد آیین» شناخته شد. استاد مظاهری این امر را ناشی از سطح بالای تساهل

مذهبی در دربار مینگ می‌داند که الگوی اکبرشاه گورکانی هند برای پی‌ریزی مذهبی آمیخته از اسلام و کنفوسیوس‌سیسم جدید (آیین حکیم چوهی) شد (همان: ۳۲۶-۳۷۰) که به نام «دین الهی» یا «کیش سلطان» مشهور بود.

در حواشی باب سوم نکته‌ی درخور بررسی، کلمه‌ی پائیزه (ورقه‌ی مأموریت) است که برخی آن را از واژه‌ی چینی پائی تسه او^۱ و بعضی از کلمه‌ی پاگزه‌ی^۲ ساسانی یا پیسه^۳ (پول خُرد) هندی دانسته‌اند. پیشینه‌ی محصولاتی مانند چای، عناب و قلع، و سیستم ارتباطی «یام» (پُست‌خانه) در مناسبات ایران و چین نیز طی این حواشی آمده است (همان: ۳۲۸-۳۳۴). همچنین است بحث‌های مربوط به برنج (پلو) و نیز انواع مواجب سربازان (بیستگانی) در ایران و چین در حواشی باب چهارم (همان: ۳۳۵-۳۴۴) و تغذیه از نان جو و گندم در ایران در برابر آرد ارزن در چین در حواشی باب پنجم (همان: ۳۴۵-۳۴۶).

استاد مظاهری در حواشی باب ششم *خطای‌نامه*، در تبیین اندیشه‌ی چین محوری^۴ به معنای اعتقاد جغرافیایی و حتی سیاسی به مرکزیت چین در میان کشورهای متمدن جهان، به استدلال‌های نجومی و مطابقت افکار ساسانیان درباره‌ی سلطنت خود با اندیشه‌های سیاسی چینی متوسل شده که الگوی مناسبی برای مطالعه‌ی تأثیر اعتقادات مردم گذشته درباره‌ی نجوم در سرنوشت سیاسی دولت‌ها و شاهان است (همان: ۳۴۷-۳۵۰). در اینجا، وی آشکارا علیه نظریه‌ی اروپامحوری و مرکزیت مدیترانه (دریای میان‌زمین) در اندیشه‌ی آنالیست‌های اروپایی برخاسته و به استدلال پرداخته است.

استاد مظاهری محصولاتی مثل کمخا (نوعی پارچه‌ی ابریشمی)، قلخی (کیمونو) و کرباس (پارچه‌ی پنبه‌ای) را که به سمت غرب تا ایران می‌رسید و حتی به اروپا می‌رفت (همان: ۳۵۱-۳۵۸)، در کنار محصولات ریخته‌گری فولاد چینی که برای ساخت اسلحه‌ها و درب‌های عظیم کاخ‌های آن کرت و تیموری استفاده می‌شد (همان: ۳۵۷-۳۵۹)، واردات ایران از چین دانسته است. وی لعل بدخشان را بر صادرات ایران به چین افزوده است (همان: ۳۵۹-۳۶۰).

-
1. Pai- Tseu
 2. Pacsa
 3. Pisah
 4. Sino- Centerism

در ادامه، استاد مظاهری به سبب تخصص در تاریخ علم حساب، به مظاهر گوناگون اعداد در تاریخ توجه ویژه‌ای داشته است؛ چنان‌که اعداد مقدس یا عدد کاملی مثل ۷۲ را با توجه به اسطوره‌ی ۷۲ شاگرد کنفسیوس، اعتقادات اسماعیلیان مبنی بر وجود ۷۲ فرقه در جهان اسلام و نیز عقیده‌ی قدما به وجود ۷۲ زبان گوناگون در هفت اقلیم، بررسی کرده است (همان: ۳۶۷-۳۶۸).

اشاره‌ی سیدعلی‌اکبر خطائی به وجود نوعی امتحانات استخدامی ادواری در چین در عهد مینگ برای تصدی مشاغل دولتی، مانند اشاره‌ی استاد مظاهری به امتحاناتی که خلیفه المستنصر عباسی در دیوان‌سالاری اسلامی برپا کرد (همان: ۳۶۸-۳۶۹)، در بردارنده‌ی نکاتی سودمند برای پژوهشگران تاریخ تطبیقی تحولات ادواری است. حواشی‌ای مانند شرح مسابقه‌ی ثبت احوال در چین و ایران عصر ساسانی (همان: ۳۷۰-۳۷۱)، فلسفه‌ی پیدایش میز تحریر در میان دیوان‌سالاران چینی و انتقال آن به جهان مغولی، جهان اسلام و اروپایی عصر انسانی و تأثیر این وسیله در تغییر شکل حروف کارولین (شیوه‌ی به‌هم‌پیوسته‌نویسی در الفبای لاتین) به حروف ایتالیک (حروف چاپی مایل) و در نتیجه پیدایش الفبای انگلیسی (همان: ۳۷۲-۳۷۳)، شیوه‌ی عملکرد اداره‌های مهنداری و انشا در دیوان‌سالاری چینی و تأسیس شش وزارتخانه و پانزده استان (همان: باب نهم، ۳۸۵) توسط هونگ و بنیان‌گذار سلسله‌ی مینگ (همان: ۳۷۳-۳۷۴) نیز شامل مطالبی پرفایده برای محققان است.

مظاهری پس از بررسی گاه‌شمارانه و آیینی تقویم و جشن‌های چینی (همان: ۳۷۸-۳۷۹)، این بار به تاریخچه‌ی میز کوتاه (نیمکت) در چین در سلسله‌ی چه این و رواج آن در ایران، اروپا و شمال آفریقا بازمی‌گردد (صص ۳۸۴-۳۸۰) و حتی از نکته‌ی به‌ظاهر کم‌اهمیتی مثل منشأ گرفتن بازی ورق (پاسور) از شهر چینی کنجان فو در ایالت کانسو در نمی‌گذرد؛ شاید به همین دلیل، در زبان عربی این بازی را «لعب الکنجفه» (بازی شهر کنجان فو) می‌نامند (همان: ۳۸۵-۳۸۶).

بررسی شهرهای چینی و ایرانی (از جمله تبریز) از منظر جغرافیای تاریخی در یادداشت‌های باب نهم (همان: ۳۸۹-۳۹۰) بیش از هر جا به چشم می‌خورد؛ از جمله وجه

تسمیه‌ی شهر په کینگ (پکن) به معنای پایتخت شمالی که از زمان یونگلو، دومین امپراتور سلسله‌ی مینگ، در سال ۱۴۲۰م/۸۲۳ق به جای نانکن (نان کینگ)^۱ به معنای پایتخت جنوبی، به پایتختی برگزیده شد (همان: ۳۹۷-۳۹۸). نام قبلی شهر پکن، خان بالیغ، توسط سلسله‌ی مغولی یوان نام‌گذاری شده بود.

بررسی تأثیر لاجورد بدخشان و نیشابور و تزیینات گیاهی و کتیبه‌های اسلامی بر ظروف چینی و بحث‌های مفصلی درباره‌ی تجارت این ظروف (همان: ۳۹۱-۳۴۰)، صنعت زره‌سازی و فلزکاری چینی از جمله الهوی بخار که از عصر ایلخانان از چین به ایران آورده شد (همان: ۳۹۴-۳۹۶)، تأثیر معادن نقره‌ی ایالت شانسی در باروری صرافی و بان‌کداری چینی در آن ایالت (همان: ۳۹۸)، همچنین استخراج و تجارت زغال‌سنگ در استان هوپه (همان: ۳۹۸-۳۹۹)، معادن سنگ یشم در چین که طبق اعتقاد آنان «سنگ باران‌آور» نامیده می‌شد و صادرات آن به غرب (همان: ۴۱۰-۴۱۳)، و مقایسه‌ی شیوه‌های پالایش شکر و به‌دست آوردن آن از نیشکر در ایران و چین (همان: ۴۱۴-۴۱۵) یادداشت‌های باب نهم را از نظر تاریخ معدن‌شناسی و صنایع، تاریخ علم و تاریخ تجارت به منبعی درخور توجه بدل کرده است.

یادداشت‌های باب دهم یکسره به شهرهای بلخ و بسطام از منظر جغرافیای تاریخی و تأثیر استقرار مقبره‌ی ابراهیم ادهم و بایزید بسطامی در موقعیت این دو شهر اختصاص یافته است (همان: ۴۱۶-۴۱۸). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در یادداشت‌های باب یازدهم واژه‌ی پول از نظر زبان‌شناسی و تاریخ اقتصادی بررسی شده است؛ چنان‌که استاد مظاهری واژه‌ی پول را برگرفته از واژه‌ی یونانی^۲ به معنای پول خُرد، و لفظ عربی فلس و فلوس (به معنای پول) را- چنان‌که ابوریحان بیرونی تذکر داده است- برگرفته از واژه‌ی فارسی فلز (فلز قیمتی= سکه) دانسته است. فرانسویان پول را سپاکو^۳ می‌نامند که خود برگرفته از ساپک، سکه‌های چینی‌ای است که در میانه‌ی خود سوراخی داشته‌اند (همان: ۴۱۹-۴۲۵).

1. Nan- King
2. Obolos
3. Sapeque

در ادامه‌ی همین مطالب، بحث بسیار مشبعی درباره‌ی کلمه‌ی دیو و رابطه‌ی آن با دد (به معنای شتر وحشی)، «جن»، «غول» و بیماری‌هایی مانند زار و صرع از دیدگاه‌های گوناگونی از جمله جانورشناسی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی (با استناد به زبان‌های شرقی و غربی) آورده (همان: ۴۲۷-۴۲۸) که نمونه‌ای از بررسی آنالیزی یک موضوع است که به شیوه‌ی مناسبی بومی‌سازی شده است.

یادداشت‌های باب دوازدهم تاریخ صنعت ریخته‌گری و فلزکاری و تجارت محصولاتی مثل آینه‌های چدنی چین که با صیقل دادن براق می‌شد، استره‌ها (تیغ آرایش)، قیچی‌ها و رکاب‌های فلزی را به اختصار بیان کرده است. انتقال فنونی مانند تهیه‌ی «چویون» (نام مغولی آهن مذاب‌شده = چدن) در عصر مغولان از چین به ایران نیز در همین یادداشت‌ها گنجانده شده است (همان: ۴۲۹-۴۳۲) و همچنین است اقتباس شیوه‌های نقش انداختن بر پارچه‌ها (همان: ۴۳۲-۴۳۳)، طب چینی و تأثیر آن بر طب اسلامی و اروپایی (ایتالیایی) (همان: ۴۳۳-۴۳۵)، و تأثیرات متقابل نجوم و گاه‌شماری چینی، سغدی، تبتی، اسلامی و اویخوری بر همدیگر و تطبیق آن‌ها با نجوم کلدانی و اوستایی (همان: ۴۳۵-۴۳۸).

مظاهری به‌منظور تأکید بر نیروی مسلط فرهنگ چینی، منشأ ادبیات لاتینی جدید را نه زبان ژرمنی و نه زبان عربی مسلمانان اسپانیا و سیسیل، بلکه ادبیات ارمنی (اشکانی، پهلوی) دانسته است که در ادامه‌ی روابط ادبی ایران و چین، به سمت شرق گسترش یافت (همان: ۴۴۰-۴۴۱). وی افزوده است همین چینی‌گرایی «در قرون وسطی»، «یونانی‌مآبی» را به تدریج از جهت شرق به غرب عقب راند.

استاد مظاهری در ابتدای حاشیه‌ی باب سیزدهم خطای‌نامه، بحث تاریخی روان و سیالی درباره‌ی حکمت شرقی (کنفسیوس) دارد و آن را با فلسفه‌ی نوافلاطونی و نوفیثاغورثی منطبق دانسته است. او با دلایل و شواهد تاریخی در قالب واژه‌های بسیار موجز اما پر معنا، حکمه‌الاشراق را که به دست ابوعلی سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا در تاریخ تداوم یافت، میراث همان حکمت کنفسیوسی خوانده است (همان: ۴۴۲-۴۶۲).

وی به قرینه‌ی اشاره‌ی علی‌اکبر خطائی به رواج علم سیاق (نوعی حسابداری عمومی) در فرهنگ کنفسیوس، با دیدگاه‌های زبان‌شناختی و تاریخی، علم سیاق را شرح داده و نوشته است که این واژه برگرفته از «سیاک» در زبان پهلوی ساسانی به معنای سیاه‌ی حساب (چرک‌نویس) است. اگرچه قدیم‌ترین رسالات موجود از این علم از قرن هفتم و هشتم هجری به دست ما رسیده، اصطلاحات این علم سراسر ساسانی است (همان: ۴۴۶-۴۴۸).

استاد مظاهری در ادامه‌ی حواشی باب مورد بحث، پس از اشاراتی به انواع وزارت و وزیران عهد سامانی (همان: ۴۴۸-۴۴۹)، به بررسی نفوذ افکار مانوی در میان محمدین زکریای رازی، ابونظر فارابی، ابن‌سینا و بلعمی و نیز تسلط آن‌ها بر بازرگانی آسیای مرکزی در عهد سامانیان پرداخته است. وی ضمن علت‌یابی کوتاه سقوط سامانیان از دیدگاهی اقتصادی، پایان یافتن معادن نقره‌ی افغانستان را پایان‌بخش رونق اقتصاد آزاد عصر سامانی تلقی کرده و حتی طی یک نظریه‌پردازی ساختارشکنانه‌تر، سامانیان و آل‌بویه را در نهان مانوی معرفی کرده است (همان: ۴۵۰-۴۵۲).

استاد مظاهری در ابتدای حواشی باب پانزدهم در شرح زبان‌شناختی و تاریخ تطبیقی درخور توجهی، به واژه‌ی «صوف» پرداخته که در پارسی قدیم «شار» نام داشت و کلمه‌ی فرانسوی شال^۱ از آن گرفته شده است که امروزه در فارسی نیز کاربرد دارد. نکته‌ی جالب دیگر در این مبحث، انتساب گوسفند نژاد «مرینوس»- که از طریق اسپانیا به انگلستان راه یافته بود- به قبیله‌ی بنی‌مرین است که مدتی بر اندلس در جنوب اسپانیا حکومت داشتند. نکته‌ی توجه‌برانگیز دیگر این است که نام منطقه‌ی تبت تصحیفی است از واژه‌ی اویغوری «توپوت» به معنای پشم؛ مهم است بدانیم که پشم و پارچه‌های گرم پشمی نخستین بار در روزگار مغولان، از ممالک اسلامی به چین برده شد (همان: ۴۵۴-۴۵۷) و همچنین است نوعی نمذ به نام سقرلاط که از نخجوان به ونیز (ایتالیا) رفت (همان: ۴۵۷-۴۵۸).

در ادامه‌ی حواشی باب پانزدهم، مصحح در چهار صفحه به معنای کلمه‌ی ترکمان در زبان‌های گوناگون و در مراحل مختلف تاریخ پرداخته و ترکمانان را با اغزاها، قضاچاق‌ها،

1. Chal

خزرهای روزگاران باستان، قلماق‌ها، خلیج (فرلق‌های زمان ساسانیان)، اغزهای سلجوقی و قنقلی‌های خوارزمشاهی تطبیق داده و آن‌ها را در برابر ترکان شرقی (تاتارها) قرار داده است (همان: ۴۶۰-۴۶۴).

اشارات مصحح به ریشه‌های زبان‌شناختی و سیر تحول‌آشیاپی مانند قیچی و کمد لباس (صندلی رفت)، فندک چخماقی، اتو و سوزن‌های خیاطی، از نظر تاریخ‌تکنولوژی مفید است. او حتی به صنفی مثل بقچه‌کش (جامه‌دار) نیز اشاراتی دارد (همان: ۴۶۴-۴۷۱) که دقت و موشکافی او را به‌عنوان یک فرد جزئی‌نگر و جامع‌الاطراف آنالیست به‌تصویر می‌کشد.

حواشی باب شانزدهم با بیان مطالبی درباره‌ی سابقه‌ی باروت در چین آغاز می‌شود که ترکیبی از نوعی شوره، گوگرد و زغال چوب بوده است (همان: ۴۷۵-۴۷۶). مصحح به قرینه‌ی معادن باروت در شهر افراسیاب به بحث‌های زبان‌شناختی و جغرافیای تاریخی مربوط روی می‌آورد (همان: ۴۷۶-۴۷۸) و در کنار آن، با بهره‌گیری از اساطیر ایران و توران و منابع چینی، به تطبیق اساطیر با وقایع مربوط به نبردهای ساسانیان و اشکانیان با هپتالیان و چینی‌ها می‌پردازد (همان: ۴۷۸-۴۸۱).

منطقه‌ی تبت یکی از موضوعات مهمی است که تقریباً در تمام حواشی کتاب به‌چشم می‌آید؛ از این‌رو به‌تفصیل از آن سخن رفته است. استاد مظاهری منطقه‌ی تبت تاریخی را شامل دو منطقه‌ی تنگوت در ساحل شرقی رود هوانگه‌وی چین (تبت داخلی) و مناطق همسایه‌ی جهان اسلام از قبیل مجاور پامیر و افغانستان امروز (تبت خارجی) دانسته است. وی اعتقاد تبتیان به توت‌م سگ در برابر توت‌م گرگ برای هونها را از مظاهر رویارویی دیرپای این دو قوم برشمرده و با انتساب توت‌م سگ به الهیات زردشتی - که در آن سگ از احترام ویژه‌ای برخوردار است - پیوندهای میان تبت و ایران اشکانی و ساسانی و نیز سکا‌های ایرانی را بررسی کرده است (همان: ۴۸۵-۴۸۷). این روش بررسی عمل‌گرایانه‌ی اساطیر، مظاهری را به نسل دوم مورخان مکتب آنال نزدیک‌تر می‌کند.

حواشی باب هفدهم پس از اشاراتی به روند تخریب جنگل و منابع طبیعی در تاریخ چین در مقایسه با سایر مناطق، به رژیم غذایی ایرانیان شرقی (اغلب ارزن) و تفاوت آن با

تغذیه‌ی ایرانیان غربی (بیشتر جو) اختصاص دارد (همان: ۴۸۸-۴۹۰). در ادامه‌ی همین بحث با استناد به منبعی از عصر سامانی به نام *تحفه الغرائب*^۱، به اقتباس تکنولوژی انواع آسیاب آبی و بادی چینی توسط سامانیان اشاره کرده و سیر ورود این تکنولوژی به اروپا را شرح داده است (همان: ۴۹۰-۴۹۴).

در حاشیه‌ی واپسین این باب رویارویی فرهنگ لامانی (بودائی) با فرهنگ و دیانت زردشتی و اسلام در ادوار ساسانی، سامانی و ایلخانان آمده است و نتیجه گرفته شده که فقط تصادف‌هایی تاریخی موجب ناکامی فرهنگ بودائی در نفوذ به مناطقی در غرب ایران شد و از این گذشته، جهان ایرانی در برابر حملات امواج قبایل شرقی نقش مشقت‌بار سد محافظ جهان مدرن (اروپای امروز) را داشت (همان: ۴۹۴-۴۹۷).

حواشی باب هجدهم *خطای‌نامه* با تلاش‌های نافرجام پولادچنگ-سانگ، مستشار فرهنگی چینی از سوی قوییلای قآن، در دربار ایلخانان آغاز شده است که به کمک عزالدین مظفر بن محمد بن عمید وزیر در پی ترویج پول کاغذی (چاو) در جهان اسلام در روزگار گیخاتو بود. پیامد چنین تلاش‌هایی، گرانی غیرمعمول اجناس در فصل فراوانی محصول بود؛ چنان‌که در تبریز بهای یک من (۸۳۳ گرم) نان به یک دینار خوش‌عیار (۳/۱۲۵ گرم طلا) رسید. چنین نکاتی کلیدهای ورود به اقتصاد عصر مغول را در اختیار پژوهندگان قرار می‌دهد (همان: ۴۹۸-۴۹۹). در ادامه نیز به پول‌شناسی آن روزگار اشاره شده است. آنچه (کلمه‌ای ترکی به معنای سپید فام) از واحدهای پولی سلجوقیان روم بود که بهترین پول در عصر ایلخانی به‌شمار می‌رفت؛ درحالی‌که فقط محتوی دویست هزارم نقره‌ی خالص بود و نیز یهودیان در عیار آن دست‌کاری می‌کردند. اصلاحات غازان در زمینه‌ی تصفیه‌ی عیار سکه‌های نقره و نیز فروش طلا و نقره‌ی خالص (سیم طلغم) چنان مؤثر بود که هم شامیان متقلب را بیکار کرد و هم گرجیان را که تا آن زمان چندان روی خوشی به نظام پولی مسلمانان نشان نمی‌دادند، تحت تأثیر قرار داد و مشتاق تجارت کرد (همان: ۴۹۹-۵۰۰).

تنها نکته‌ی مهم در حاشیه‌ی بسیار کوتاه باب نوزدهم آن است که اصلاحات سلطان سلیمان قانونی در عثمانی تحت تأثیر خطای‌نامه‌ی سیدعلی‌اکبر خطائی بوده است. براساس

۱. ظاهراً این نسخه‌ی خطی (تألیف ۳۳۵ق) به شماره‌ی ت. ف ۱۳۰۰ در کتابخانه‌ی ناسیونال فرانسه نگهداری می‌شود.



حدس استاد مظاهری، سلطان سلیمان قانونی از آن‌رو نام سلطنتی خود را سلیمان (معادل جمشید در اساطیر ایرانی) برگزیده بود که خود را مانند سلیمان و نیز مانند خاقان مینگ (امپراتوری چین) قانون‌گذار و مصلح معرفی کند (همان: ۵۰۲).

حواشی باب بیستم خطای‌نامه با تشریح واژه‌هایی مانند پاگودا (لغتی پرتغالی و برساخته از واژه‌ی فارسی بتکده)، فرخار (معابد چینی) و بهار (معبد فندویی) آغاز شده است. سیدعلی‌اکبر خطائی از برخی معابد چینی باعنوان نگارخانه یا نگارستان یاد کرده است. برخی محققان به علت کثرت نقوش و مجسمه‌های این معابد، آن‌ها را مانوی دانسته‌اند. استاد مظاهری نیز با اشاره به معنای واژه‌ی ارتنگ (ارژنگ = کاروانسرا و صومعه‌های رهبانان در میانه‌ی راه‌ها) تلویحاً این نظر را پذیرفته (همان: ۵۰۳-۵۰۵) و معتقد است که مانویان و در روزگار پس از مغول طریقت نقشبندیه (با خطاب یا عنوان آخوند= به زبان چینی آهونگ) به کار راهداری و پذیرایی از مسافران جاده‌ی ابریشم می‌پرداخته‌اند؛ معابد چینی و هندی نیز کمابیش چنین نقشی داشتند. وی با توجه به گریفون‌های (حیوانات اسطوره‌ای) معابد شرقی و اروپایی و مقایسه‌ی آن‌ها، تفاوت‌های میان دو جهان اساطیری ملل شرق و غرب را برشمرده است (همان: ۵۰۵-۵۰۶).

استاد مظاهری در حاشیه‌ی بعدی ضمن معرفی منبع ارزشمندی در زمینه‌ی کشاورزی و تاریخ علم گیاه‌شناسی در قرن هشتم هجری باعنوان *اختیارات بدیعی اثر حاجی زین‌الدین عطار*، از منشأ چینی گل ترکی عثمانی (لاله‌ی ختایی) که نخستین بار در زمان سلطان سلیمان قانونی به عثمانی برده شد، سخن گفته است (همان: ۵۰۶-۵۰۷). اهمیت لاله‌ی عثمانی در این است که تحولات عظیم فرهنگی و اصلاحات عثمانی به سبب علاقه‌ی سلاطین عثمانی به گسترش باغچه‌های گل لاله مشهور شده است. از انواع گل نیلوفر که به‌طور جداگانه در مصر، هندوستان و چین می‌رویده‌اند، نیلوفر سرخ^۱ در زمان مصریان (فراعنه) مقدس بوده است. نیلوفر یکی از نمادهای دین بودا و حتی تائو بود که در هنر و الهیات زردشتی عصر ساسانی و حتی مانوی تأثیر گذاشته بود (همان: ۵۰۷).

1. Nelumbium Speciosum



استاد مظاهری برای توضیح عبارت «آنان [چینیان] روز و شب (شبانه‌روز) را جداگانه حساب می‌کنند»، با استفاده از اطلاعات وسیع خود در زمینه‌ی تاریخ علم نجوم نوشته است که چینیان که خود مخترع ساعت بوده‌اند، طلوع تا غروب خورشید را یک دوره‌ی کامل زمانی می‌دانستند و آن را به دوازده ساعت تقسیم می‌کردند و به همان نسبت ساعات شب را؛ از این روست که هر هزاره‌ی چینی معادل با پانصد سال ایرانی بوده است. این نوع گاه‌شماری در عصر ساسانی اقتباس شده بود تا اینکه هیربیدی به‌نام یزدگرد الهزاری در زمان یزدگرد یکم (۳۹۹-۴۲۱م) دوباره تقویم را اصلاح کرد و به حالت ایرانی خود بازگرداند؛ از این رو یزدگرد اول به یزدگرد هزاره‌ای مشهور شد. استاد مظاهری این امر را یکی از منشأهای هزاره‌گرایی می‌داند که به‌موجب آن، شاهی که معاصر با تحویل از هزاره‌ای به هزاره‌ی دیگر بود، در نظر مردم، مردی بود که دارای رسالتی آسمانی و حق تغییر در رسوم اصلی کشور می‌شد. شایان ذکر است که این تفکر در دوران اسلامی ادامه یافت و چنین پادشاهانی لقب صاحب‌قران می‌یافتند.

در فرهنگ اروپایی، هزاره‌گرایی خلیائیس^۱ نامیده می‌شود که برگرفته از واژه‌ی یونانی خلیاس به‌معنای هزار است. گروهی از مسیحیان به‌نام میلیناریست‌ها^۲ معتقد بودند عیسی مسیح در سال هزار میلادی به دنیا باز خواهد گشت (همان: ۵۰۸-۵۱۴).

استاد مظاهری برای تبیین مفاهیم طول و عرض جغرافیایی به اطلاعات گسترده‌ی خود در زمینه‌ی علم نجوم قدیم متوسل شده است و به تعیین محل جابلقا در متون جغرافیایی اسلامی پرداخته و ژاپن (= چی پان کو = احتمالاً همان جابلقای مسلمانان) را در برابر جابلسا (جزایر خالدا در غرب جبل الطارق) در منتهی‌الیه شرق و غرب قرار داده است (همان: ۵۱۷-۵۲۲).

در ادامه، توضیحاتی جالب درباره‌ی رژیم غذایی ایرانیان، ترکان و چینیان و شیوه‌های نگه‌داری غذا (به‌ویژه گوشت) با استفاده از نمک سود کردن (کاک = قاق - القدیر) آمده است (همان: ۵۲۴-۵۲۵). از اینجاست که اهمیت نمک و ادویه به‌عنوان کالایی استراتژیک و تجاری، اولی در چین و دومی در اروپا، مشخص می‌شود.

1. Chiliesme
2. Millenaristes

حواشی بعدی به گوسفند تاتاری و پراکندگی جغرافیایی آن در مغولستان، سین کیانگ، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، افغانستان، ایران، قفقاز و آناتولی اختصاص یافته که به داشتن پیهی ارزشمند مشهور بود و نماد شیوهی معیشت قبایل اطراف چین به شمار می‌رفت؛ در حالی که چینیان تحت تأثیر افکار کنفوسیوسی، مطلقاً مردمی کشت کار بودند. زردشتیان و نوفیثاغورثیان که تحت تأثیر آن‌ها بودند و فرقه‌ی مسیحی اسن‌ها^۱ از این نظر با چینیان اشتراک داشتند. از نظر مظاهری، خشکی و بی‌آبی ایران باعث می‌شد که برخلاف چین، همه‌جای آن قابل کشت نباشد. به همین سبب، همواره دو شیوهی معیشت دامداری و کشاورزی در ایران، زیست و فرهنگ دوگانه‌ای (ثنویتی) پدید آورده است که صحراگرد کوچ‌روی نظم‌ناپذیر و دهقانان آبادگر جهان را در برابر هم قرار می‌داده است و به همان نسبت، دهقانان مظهر اشه (خیر) و دامداران یاران اهریمن تلقی می‌شده‌اند. مظاهری در تطبیق این مفاهیم با مفهوم یان و بین (نیروهای مذکر و مؤنث) در فرهنگ و فلسفه‌ی چین کوشیده است (همان: ۵۲۵-۵۲۹).

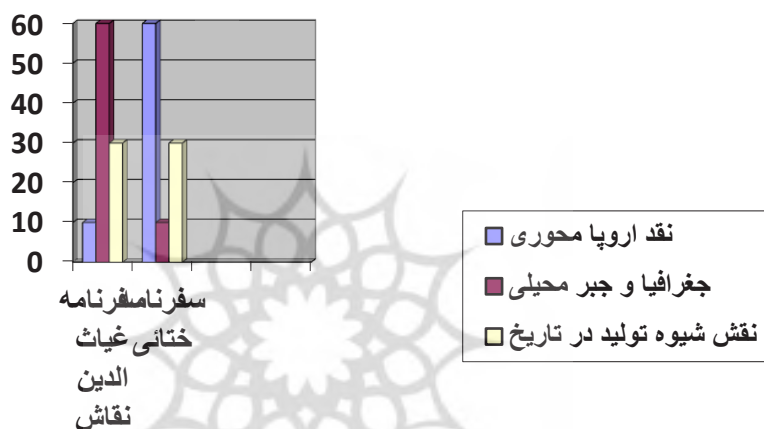
بخش‌هایی از این فراز شبیه به لحن سخنان مورخان فرانسه‌ی عهد رقابت کمونیست‌ها و لیبرال‌های پس از جنگ دوم جهانی است؛ از جمله رقیب فرانسوی استاد مظاهری، رنه گروسه، که در باب تقابل تاریخی عشایر کوچ‌روی ترک و مغول با یکجانشینان آسیایی می‌نویسد:

وجود یک جامعه‌ی انسانی که فعالیت او محدود به کشاورزی و شکارافکنی است، در مجاورت جامعه‌ی بشری دیگری که به کشاورزی پرداخته یا توسعه‌ی یک جامعه‌ی زارع که همواره متمول‌تر می‌شود، در جلو چشم جمعیت‌هایی که در مرحله‌ی گله‌داری باقی مانده‌اند و دائماً خطر قحطی در خشکسالی‌های استپ و خارزارها آن‌ها را به هلاکت تهدید می‌کند، بر این تضاد و خلاف اقتصادی بسیار شدید، تضاد و خلاف اجتماعی را نیز علاوه نموده است [...] موضوع جغرافیای انسانی به صورت یک بغرنج اجتماعی درآمده است. احساسات و عواطفی است که یک جامعه‌ی سرمایه‌دار «کاپیتالیست» و یک جامعه‌ی کارگری «پرولتر» در

1. Esseen

دنیای امروز وتات «مدرن» نسبت به یکدیگر آشکار می‌سازد (گروسه، ۱۳۷۹: ۵-۶).

در یک جمع‌بندی باید گفت طی یک تحلیل آماری، نمودار فراوانی حواشی و مطالب مورد توجه استاد مظاهری در تصحیح نسخ سفرنامه‌ی غیاث‌الدین نقاش (ستون ۱) و سفرنامه‌ی خطائی (ستون ۲) را می‌توان در نمودار ذیل نشان داد.



این نمودار حاکی از آن است که استاد مظاهری طی دوره‌ی بیست‌ساله‌ی تصحیح سفرنامه‌های جاده‌ی ابریشم، هرچه به اواخر کار نزدیک می‌شد، نقد اروپا محوری و در واقع نگاه انتقادی به نسل اول مکتب آنال را در آثارش بیش از هر چیز نشان می‌داد.

۴. نتیجه‌گیری

از نظر تاریخ‌نگری، علی مظاهری را با نگارش کتاب جاده‌ی ابریشم می‌توان نخستین مورخ آنالیست ایرانی دانست که نظریه‌ی اروپا محور جاده‌ی ابریشم را به چالش کشید. او در عوض، مرکزیت جاده را به مشرق‌زمین یعنی جهان ایرانی و تمدن چینی برد و ضمن



ارائه‌ی سفرنامه‌های شرقی (ایرانی و چینی) با حواشی پرمغزی که بر آن‌ها نوشت، جایگاه ایران و جهان اسلام را در این میانه به تصویر کشید.

از حیث تاریخ‌نگاری، روش او به تدریج تکامل یافت، از تاریخ اجتماعی به سبک نسل اول و دوم مورخان فرانسوی مکتب آنال سرچشمه گرفت، با مطالعه‌ی منابع و نسخ خطی فراوان ایرانی و اسلامی موجود در کتابخانه‌های اروپایی، به تدریج رنگ‌وبوی ایرانی و شرقی و بومی به خود گرفت و در کتاب *جاده‌ی ابریشم* به‌ویژه در حواشی آن کتاب به کمال رسید. روش او به‌طور کلی ابداعی و نوین است. او برخلاف سنن رایج در تاریخ‌نگاری ایرانی، به مطالعات بین‌رشته‌ای پرداخت و گستره‌ی وسیعی از منابع اعم از تاریخی، جغرافیایی و حتی ادبی و دیوان‌های شاعران و نیز کتب تاریخ علم را منابعی قابل استفاده در تاریخ‌نگاری اقتصادی در نظر گرفت.

از میان سه اصلی که در تاریخ‌نگری استاد مظاهری بررسی شد، با نگاهی آماری می‌توان دریافت که نقد ایده‌ی اروپامحوری و توضیح جایگاه فرهنگ مشرق‌زمین در جاده‌ی ابریشم و در تاریخ جهانی از دو اصل دیگر، یعنی جبر محیطی و جغرافیایی و نیز از نقش شیوه‌ی تولید شکل‌دهی به تاریخ جوامع پررنگ‌تر است. نقطه‌ی کمال روش بومی‌شده‌ی آنال را در واپسین آثارش می‌توان دید.

به‌طور کلی، آثار علی مظاهری را می‌توان الگو و نقطه‌ی آغازی برای تاریخ‌نگاری اقتصادی آنالیستی در ایران در نظر گرفت.

انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- استویانویچ، گنورگی (۱۳۸۶). *روش تاریخی یا پارادایم آنال*. ترجمه‌ی نسرین جهانگرد. تهران: رسا.
- اسمیت، دنیس (۱۳۸۶). *برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی*. ترجمه‌ی هاشم آفاجری. تهران: مروارید.
- بحرانی‌پور، علی (۱۳۸۱). *بررسی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و چین در زمان شاهرخ تیموری (۸۵۰-۸۰۸ ق)*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد تاریخ. دانشگاه شیراز.



- برک، پیتر (۱۳۸۱). **تاریخ و نظریه‌ی اجتماعی**. ترجمه‌ی غلامرضا جمشیدیها. تهران: دانشگاه تهران.
- برودل، فرنان (۱۳۷۲). **سرمایه‌داری و حیات مادی**. ترجمه‌ی پرویز پیران. تهران: نشر نی.
- بلک، جرمی و مکرایلد (۱۳۹۰). **مطالعه‌ی تاریخ**. ترجمه‌ی محمدنقی لطفی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- بلوخ، مارک (۱۳۶۳). **جامعه‌ی فنودالی**. ترجمه‌ی بهزاد باشی. تهران: آگاه.
- خطائی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۲). **خطای نامه** (شرح مشاهدات سیدعلی اکبر خطائی در سرزمین چین به پیوست سفرنامه‌ی غیاث‌الدین نقاش). به کوشش ایرج افشار. چ ۲. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا با همکاری پژوهشگاه.
- گروسه، رنه (۱۳۷۹). **امپراتوری صحرانوردان**. ترجمه‌ی عبدالحسین میکده. چ ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
- مظاهری، علی (۱۳۷۲). **جاده‌ی ابریشم**. ترجمه‌ی ملک ناصر نوبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۸). **زندگی مسلمانان در قرون وسطا**. ترجمه‌ی مرتضی راوندی. تهران: صدای معاصر و علم و زندگی.
- ولی، عباس (۱۳۸۰). **ایران پیش از سرمایه‌داری**. ترجمه‌ی حسن شمس‌آوری. تهران: نشر مرکز.
- Herubel, J.P., V.M. Buchanan & L. Anne (1995). "The Annales Movement and Its Historygraphy-a Short Bibliography". *Libraries and Culture (University of Texas Press)*. Vol. 30. No. 1. Pp. 82- 91.
- Karagi, M. (1973). *La Civilisation des Eaux cachées: Traité de l'Exploitation des Eaux Souterraines composé en 1017 AD*. Aly Mazaheri. Published by Nice: IDERIC Etudes Preliminaires.
- Mazaheri, A. (1960). "A Etudie l'origine de la Balance Romaine". *Annales Économies, Sociétés, Civilisations*. N. 5. Pp. 833- 852. (Online Edition)
- _____ (1982 a). "Zarathoustra cet inconu" in *Lettres Persanes*. No. 3.
- _____ (1982 b). "Mani et le Gnosticisme" in *Lettres Persanes*. No. 4.

- _____ (1983). "Le Communisme et l'Iran: Mazdak, l'histoire et le Mythe" in *Lettres Persanes*. No. 3.
- Mieli, A. (1966). *La science arabe et son role dans l'évolution scientifique mondiale*. Leiden: E.J. Brill. (Online Edition)
- Spuler, B. (1960). *Die Goldene Horde: die Mongolen in Russland 1223-1502*. Wiesbaden Hassarowits.
- Guitel, G. (1962). "Histoire des Techniques: la Spirale des nombres". *Annales. Économies, Sociétés, Civilisations*. Vol. 17. Issue 5. Pp. 940- 952. (Online Edition)

